

میراث خوار چالشی‌های تلنبار شده

گفت‌وگوی «ایران» با جعفر خیرخواهان

درباره کارنامه اقتصادی دولت و ضرورت عبور نظام‌مند از ابرچالش‌ها



ایلیا پیرولی

روزنامه‌نگار

مسعود پزشکیان در نیمه مرداد سال ۱۴۰۳، پا به پاستور گذاشت؛ در فضای سیاسی و اقتصادی ایران که آمیزه‌ای از امید و سنگینی بحران‌ها بود. شعارهای پزشکیان آمیدی تازه را به بخشی از جامعه تزریق کرد. اما التهابات سیاست داخلی و خارجی تا آشفته‌گی اقتصادی کشور، تصویر مبهم و غیرشفاف را به

دولت پزشکیان نشان داد که او در مسیر بسیار دشوار پا گذاشته است. «از کسری گسترده بودجه و بدهی‌های تلنبار شده گرفته تا تورم‌های شکننده و نااطمینانی‌های سیاسی». حالا یک سال بعد، شنیدن ارزیابی‌های یک صاحب‌نظر برجسته می‌تواند تصویر روشن‌تری از آنچه بر اقتصاد ایران گذشته و پیش‌رو است، ارائه دهد. دکتر جعفر خیرخواهان، استاد اقتصاد توسعه در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» نه تنها میراث سنگین دولت قبل را تشریح می‌کند، بلکه با اشاره به مجموعه شوک‌های ناگهانی و بحران‌های ساختاری، مسیرهای ممکن پیش‌روی دولت چهاردهم را نیز ترسیم می‌کند.

به گفته خیرخواهان، دولت پزشکیان از همان آغاز، با دو جبهه همزمان مواجه شد: از یک سو برخی ساختارهای ناکارآمد و ناترازی‌های مزمن و از سوی دیگر، شوک‌ها و بحران‌هایی که هیچ دولتی را بی‌چالش نمی‌گذارد.

در روزهای آغازین دولت چهاردهم، چشم‌انداز اقتصادی کشور را چگونه ارزیابی می‌کردید؟
دولت پزشکیان در شرایطی سکان هدایت کشور را در تابستان

۱۴۰۳ به دست گرفت که اقتصاد ایران با مشکلات مزمن و انباشته‌ای دست و پنجه نرم می‌کرد. از کسری بودجه شدید و بدهی‌های کلان به بخش‌های مختلف، تا تورم بالا و نرخ بیکاری پنهان و آشکار که فشار معیشتی مضاعفی را بر جامعه تحمیل می‌کرد. بدهی‌های دولت قبل، ناترازی در بخش‌های انرژی و نظام بانکی و همچنین ساختار معیوب نظام مالیاتی، از جمله چالش‌های اساسی بود که پیش‌روی دولت جدید قرار داشت. این مشکلات، حاصل چندین سال سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد و عدم اجرای اصلاحات ساختاری ضروری بود که در نهایت، فضای اقتصادی را برای دولت جدید بسیار تنگ کرده بود. اما ورود دولت پزشکیان به عرصه اجرایی را باید در بستری از پیچیدگی‌های کم‌نظیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سنجید. مجموعه‌ای از بحران‌های انباشته که طی سالیان متمادی شکل گرفته و به‌صورت درهم‌تنیده عمل می‌کردند، بستر کار را سخت‌تر می‌ساختند. کسری بودجه دیگر پدیده‌ای موقتی و قابل مدیریت شمرده نمی‌شد، بلکه به یک ضعف ساختاری بدل شده بود. بدیهی است که استمرار چنین وضعیتی، سرمایه‌گذاری دولت در پروژه‌های توسعه‌ای را محدود و انضباط مالی را دشوار می‌کند.

از سوی دیگر، دولت پیشین انبوهی از بدهی‌ها را به بخش‌های مختلف، شامل بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، پیمانکاران و حتی بخش عمومی غیردولتی - برجای گذاشته بود. این بدهی‌ها همانند زنجیری بر پای اقتصاد سنگینی می‌کردند. تورم مزمن و نهادینه، قدرت خرید خانوار را در طول یک دهه اخیر به سطحی رسانده بود که می‌توان گفت در عمل نیمی از ارزش واقعی درآمدها از میان رفته است. این بر شاخص رفاه عمومی اثرات منفی عمیق گذاشته بود. همزمان، بیکاری آشکار و پنهان، که به معنای اتلاف ظرفیت‌های سرمایه انسانی کشور است، در سطوح بالا تداوم داشت. ناترازی شدید در حوزه انرژی، اعم از تولید و توزیع برق و گاز، بخش صنعت را به شدت فرسوده و آسیب‌پذیر کرده بود. ساختار ناکارآمد نظام مالیاتی نیز، با حجم بالای فرار مالیاتی، اجازه تجهیز منابع کافی برای اداره مطلوب کشور را نمی‌داد. این مجموعه شرایط، محصول تأخیرهای طولانی در اجرای اصلاحات بنیادین بود و دولت چهاردهم از روز اول ناچار شد در همین میدان پرسنگلاخ گام بردارد، بی‌آن که فرصتی برای آماده‌سازی بسترهای مطلوب داشته باشد.

○ سال اول دولت را چگونه می‌توان جمع‌بندی کرد؟

سال اول فعالیت دولت، علاوه بر مواجهه با مشکلات ساختاری، عرصه برخورد با بحران‌های مقطعی و شوک‌های پی‌درپی نیز بود. از جمله رخدادها مهم می‌توان به ترور اسماعیل هنیه، سقوط دولت بشار اسد، بحران بی‌سابقه آب و خشکسالی، تشدید تنش‌های منطقه‌ای، توقف مذاکرات هسته‌ای، بازگشت تهدید تحریم‌ها و وقوع جنگ ۱۲ روزه اشاره کرد. حتی حمله به محل جلسه شورای عالی امنیت ملی، در مقیاسی بی‌سابقه، فشار روانی و امنیتی فراگیری را بر فضای سیاسی-اقتصادی کشور تحمیل کرد.

در چنین بستری، دولت رویکردی را برگزید که اولویت اول آن «مهار بحران‌های فوری و پیشگیری از گسترش ناآرامی‌های اجتماعی» بود. این انتخاب، مستلزم آن بود که بخشی از اصلاحات کلان به تعویق افتد، تا آرامش نسبی در فضای داخلی حفظ شود. در حوزه‌هایی مانند بازار ارز و تأمین کالاهای اساسی، سیاست‌های تثبیتی و انضباط مالی به کار گرفته شد تا از جهش‌های ویرانگر جلوگیری شود. این اقدامات، گرچه ممکن است در نگاه برخی محتاطانه به نظر آید، اما در شرایطی که کوچک‌ترین خطای محاسباتی می‌توانست به بحران‌های غیرقابل مهار بینجامد، واجد اهمیت حیاتی بود.

دولت پزشکیان در این یک سال اخیر بین «محدودیت‌های ساختاری» و «وقوع شوک‌های کوتاه‌مدت» گیر کرد.

○ اما به نظر می‌رسد که دولت توانست با مدیریت بحران مثل جلوگیری از «شوک درمانی و اطمینان بخشی» به مردم از

ناترازی شدید در
حوزه انرژی و ساختار
ناکارآمد نظام مالیاتی
محصول تأخیرهای
طولانی در اجرای
اصلاحات بنیادین
بود و دولت چهاردهم
از روز اول ناچار شد
در همین میدان
پرسنگلاخ گام بردارد،
بی‌آن که فرصتی برای
آماده‌سازی بسترهای
مطلوب داشته باشد

اگر
پزشکیان
نبود



برندکپی

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویژگی‌نامه